

بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال نیروهای آموزش دیده استان گلستان

علیرضا خواجه شاهکوهی^۱

دکتر مصیب عباسی^۲

غلامرضا خوش فر^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی میزان اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال آموزش دیدگان استان گلستان مبتنی بر دیدگاه‌های آنان بوده است. بدین منظور، پرسشنامه در بین ۲۳۰ آموزش دیده شاغل و ۵۳۸ آموزش دیده جویای کار که طی سال‌های ۸۰ تا پایان ۸۳ آموزش فنی فراگرفته بودند در سطح استان گلستان به اجرا درآوردند. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرانباخ در نمونه آماری شاغلین ۰/۸۱۳ و در نمونه آماری جویندگان کار ۰/۷۸۰ به دست آمد. پس از تعیین سهم هر شهرستان در هر گروه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و در نهایت با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، نمونه‌ها مشخص و اطلاعات جمع‌آوری شد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیره به ترتیب اهمیت: رتبه اول به تأثیر آموزش حین کار بر تداوم اشتغال، رتبه دوم به تأثیر درجه و میزان مهارت فراگرفته در دوره آموزشی بر کارایی و رتبه سوم تأثیر تأثیر آموزش‌ها بر عملکرد شغلی در محیط کار اختصاص داشته است. همچنین، بر اساس نتایج رگرسیون چند متغیره، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال به کار آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای جوینده کار در استان گلستان به ترتیب شامل: گویه‌های بی‌ارتباط دانش نظریه ارائه شده در دوره آموزشی با نیاز بازار کار، نداشتن تجربه علمی کافی در طی دوران آموزشی و عدم تناسب رشته تحصیلی با رشته‌ای که در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای گذرانده‌اند.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، استان گلستان، اثربخشی، اشتغال، شاغلین

Email:shahkoochi@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه گلستان

۲. استادیار دانشگاه گلستان

۳. استادیار دانشگاه گلستان

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۵ تصویب نهایی: ۹۱/۸/۳۰

مقدمه

امروزه نیروی انسانی متخصص به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اصلی تأمین رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. بر همین مبنا تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد (تولید نیروی انسانی) و استفاده بهینه از آن در مرکز توجه برنامه ریزان قرار گرفته است. امروزه رشد فزاینده حجم نیروی کار، فقدان ارتباط کافی و عدم هماهنگی بین نظام آموزش و بازار کار، عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت‌های اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش آموختگان، افزایش میزان مشارکت نیروی کار در جامعه بالاخص در بین زنان، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ‌التحصیلان و فقدان اطلاعات مورد نیاز بازار کار باعث گردید تا موضوع اشتغال از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های سیاستگذاران جوامع در حال توسعه از جمله ایران به شمار آید (امیری، ۱۳۸۰).

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم این آموزش به طور بی سابقه‌ای گسترش یافت، تا آنجا که توسعه برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، از اهداف ملی بیشتر کشورها قرار گرفت و امروزه یکی از شاخص‌های موفقیت هر کشوری، توسعه آن در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات محسوب می‌شود. توسعه این سه بخش نیازمند تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای است. به همین دلیل، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اهمیت فزاینده‌ای یافته است (آغاز، ۱۳۸۱).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ابزار مهمی برای بهبود پویایی، انطباق پذیری و بهره‌وری نیروی کار است، به همین دلیل در افزایش توان رقابت بنگاه‌های اقتصادی، صنعتی و تولیدی نقش داشته و زمینه کاهش عدم توازن در بازارکار را فراهم می‌سازد (کالوس^۱، ۱۹۹۴)، بدین منظور هر گونه کاهش در سرمایه‌ی انسانی سبب کاهش بهره‌وری در سرمایه فیزیکی شده و کاهش سرمایه‌گذاری در منابع فیزیکی کندی رشد اقتصادی را به همراه خواهد آورد (بوت^۲، ۱۹۹۶). از طرف دیگر سرمایه‌های انسانی با قابلیت‌های بالاتر سبب استفاده بهینه و کارآمدتر از ماشین‌آلات و دیگر منابع موجود خواهد شد که نتیجه‌ی طبیعی آن افزایش میزان بازده سرمایه‌گذاری است (آشتون^۳، ۱۹۹۶).

1. Callos
2. Booth
3. Ashton

اهمیت طرح موضوع با تأمل به نتایج مطالعات مشابه پیشین در خور توجه است. نتایج پژوهش احمدی (۱۳۸۹)، حاکی از آنست که، آموزش‌های مهارتی احتمال اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را حدوداً دو برابر کرده است جاویدنیا (۱۳۹۱)، در پژوهش میدانی برای شهر گرمسار نشان می‌دهد که آموزش‌های مهارتی ارائه شده در مراکز فنی و حرفه‌ای علاوه بر بالا بردن توانایی‌های مهارتی، سبب افزایش روحیه کار آفرینی در میان مهارت آموزان شده است و نتایج مطالعه جمالی نسب (۱۳۹۱)؛ در استان بوشهر نتایج مذکور را تأیید می‌نماید. همچنین نتایج تحقیق خالدی (۱۳۹۱)؛ بیانگر آنست که، مراکز و آموزشگاه‌های بخش خصوصی نسبت به آموزشگاه‌های بخش دولتی هم در ایجاد شغل و هم از نظر تأثیر بر توانمندی شغلی و افزایش مهارت شاغلین موفق‌تر عمل نموده‌اند. نتایج تحقیق مزروعی (۱۳۷۲)، نشان داد که نبودن شغل مرتبط با رشته فارغ‌التحصیلان در استان گیلان یکی از مهم‌ترین مشکلات در بخش اشتغال کارآموزان بوده است، صالحی (۱۳۸۲)، نشان داد که ۲۷ درصد از آموزش دیده‌های فنی و حرفه‌ای در استان مازندران شاغل و مابقی بی‌کار هستند همچنین افراد آموزش دیده در رشته تخصصی و مرتبط با مدرک، به کار گرفته نشده‌اند. همچنین نتایج تحقیق فرشاد (۱۳۷۴)، کهک (۱۳۷۷)، ناظر بر این مسئله بوده که در هماهنگی بین نوع و رشته تحصیلی و نوع بازار کار، در بسیاری از موارد ارتباط برقرار نبوده است.

پژوهش حاضر با توجه به درک واقعیات موجود بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آموزش دیدگان را در سطح گلستان مطمح نظر قرار داده تا به واسطه شناسایی علمی و کاربردی یافته‌های پژوهش حاضر، ضمن آگاهی برنامه ریزان آموزش از میزان اثربخشی آموزش‌های ارائه شده و پی بردن به نقاط قوت و ضعف، اثربخشی آموزش‌های ارائه شده را متناسب با ویژگی‌های استان بهبود و ارتقاء دهند.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - پیمایشی است که از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی آموزش دیدگان کوتاه مدت مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان طی سال‌های ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۸۲ بوده که تعدادشان به ۱۳۷۹۲۷ نفر (۸۲۸۲۸ نفر زن و ۵۵۱۰۱ نفر مرد) می‌رسد که با در نظر گرفتن فرمول تعیین حجم نمونه کوکران، تعداد ۲۳۰ نفر از آموزش دیدگان به عنوان نمونه آماری گروه شاغلین و تعداد ۵۳۸ نفر به عنوان نمونه گروه جویندگان کار انتخاب شدند، نمونه‌های هر دو گروه (شاغلین و جویندگان کار) با دخالت متغیر

۱۰۶ فصل نامه مهارت آموزی

شهرستان محل آموزش به صورت نمونه گیری مطبق و سپس نمونه گیری تصادفی ساده مشخص شده است. از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده گردید که در نمونه آماری شاغلین ۸۱ درصد و نمونه آماری جویندگان کار ۷۸ درصد به دست آمد که این مقدار نشان از پایایی مطلوب دارد، روایی پرسشنامه نیز مورد تأیید اساتید متخصص و صاحب نظر واقع شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردیده و کلیه محاسبات توسط نرم افزار spss انجام گرفته است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی (توافق c کرامر) و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌ها

با توجه به ماهیت پرسشنامه‌ها و بمنظور اطلاع از ویژگی‌های فردی نگرشی آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای در جامعه مورد مطالعه، اطلاعات استخراج شده ابتدا توصیف و سپس به تحلیل روابط بین متغیرهای پیش بین و ملاک و با مدد ضرایب همبستگی و رگرسیون پرداخته می‌شود.

آمار توصیفی

توصیف متغیرهای زمینه‌ای (ویژگی‌های فردی)

افراد مورد مطالعه در گروه آموزش دیدگان شاغل ۱۸۹ نفر (۸۲/۲ درصد) مرد و ۴۱ نفر (۱۷/۸ درصد) زن و در گروه آموزش دیدگان جویای کار ۳۴۱ نفر (۶۳/۹۴ درصد) مرد و ۱۹۷ نفر (۳۶/۶) زن بوده‌اند.

سن پاسخگویان نیز بررسی و کسانی که بین ۲۹-۲۰ سال سن داشته‌اند بیشترین فراوانی (۴۶/۵ درصد شاغلین و ۷۰/۴ درصد جویندگان کار) را داشته و سپس گروه سنی ۳۹-۳۰ سال از بالاترین فراوانی در هر دو گروه نمونه (شاغلین ۳۲/۲ درصد و جویندگان کار ۴/۸ درصد) برخوردار بوده‌اند. از طرفی ۲۲/۳ درصد جویندگان کار کمتر از ۲۰ سال سن داشته‌اند.

سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۷۹/۱ درصد شاغلین و ۵۹/۳ درصد جویندگان کار در حد متوسطه و دیپلم و ۱۴/۳ درصد شاغلین و ۳۹/۴ درصد جویندگان کار از سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم (دانشگاهی) برخوردار بوده‌اند. اطلاعات مندرج در پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد اکثریت آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای (شاغلین ۵۷/۴ درصد و جویندگان کار ۶۳ درصد) مدرک فنی خود را از مراکز دولتی اخذ

کرده‌اند، از طرفی اکثریت شاغلین (۳۹/۹ درصد) در بخش خصوصی و ۲/۲ درصد در بخش دولتی و ۱/۷ درصد در بخش تعاونی و ۲/۲ درصد در بخش خود اشتغالی مشغول فعالیت بوده‌اند، بنابراین، بخش خصوصی نتوانسته است در حد قابل توجهی آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای جذب کند، ضمن اینکه حوزه فعالیت ۶۸/۷ درصد شاغلین بخش خدمات و ۱۹/۱ درصد بخش صنعت و ۱۲/۲ درصد کشاورزی فعالیت داشته‌اند. اکثریت شاغلین (۶۳/۵ درصد) اذعان داشته‌اند که بین کار آنان و نوع آموزشی که در مراکز فنی و حرفه‌ای فرا گرفته‌اند هماهنگی و تناسب وجود دارد. به منظور آگاهی از اینکه آیا دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای قادر به ایجاد توانایی خود اشتغالی در آموزش دیدگان هست یا خیر؟ بنابه اظهار ۶۷/۸ درصد جویندگان کار، دوره‌های آموزشی فنی حرفه‌ای توانایی خود اشتغالی را در آن‌ها ایجاد کرده که به همین منظور بیشترین نوع کار مورد تقاضا در گروه جویندگان با ۳۹ درصد در زمینه خود اشتغالی بوده است. در صورتی که مقدمات و زمینه‌های آن فراهم باشد.

توصیف متغیرهای نگرشی

بدون تردید هر فرد نسبت به زمینه‌های مختلف فعالیت‌های شغلی خویش و یا شغلی که متقاضی انجام آن است، طرز تلقی و نگرش خاصی دارد. بر همین مبنای آگاهی از نگرش آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، می‌تواند تا حدی زیادی به جهت‌دهی و ساماندهی برنامه‌های آموزشی به منظور اثر بخشی بیشتر آن کمک کند. در راستای نیل به این مهم، در پژوهش حاضر تأثیر عوامل مختلف در اشتغال آموزش دیدگان جویندهی کار مد نظر قرار گرفته که به بررسی و ارزیابی نگرش پاسخ‌گویان به تفکیک می‌پردازیم.

نگرش شاغلین در مورد میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال

ارزیابی مربوط به نگرش شاغلین در مورد میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال آنان در قالب ۵ سؤال مورد سنجش قرار گرفت که داده‌های حاصله مطابق با جدول ۱ نشان می‌دهد که تأثیر مهارت عملی با اندازه میانگین وزنی (۲/۳۳ از ۴) و سپس رشته تحصیلی: از دوره آموزشی با میانگین وزنی ۲/۲۶ بیشترین تأثیر را در بین شاخص‌های آموزشی بر روی اشتغال داشته‌اند. که اطلاعات حاصله در جدول ذیل منعکس شده است.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی نظرات شاغلین بر حسب میزان تأثیر عوامل آموزشی در اشتغال

شماره	گویه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	انحراف معیار	میانگین وزنی از ۴
۱	مهارت عملی	۱۰	۲۵	۹۲	۸۴	۱۹	۰/۹۳۳	۲/۳۳
۲	دانش نظری که در دوره آموزشی کسب گردید	۱۵	۴۳	۱۳۲	۶۸	۵	۰/۸۱۴	۲/۱۷
۳	تناسب رشته تحصیلی قبل از دوره آموزش فنی و حرفه‌ای با دوره آموزشی	۲۰	۴۳	۵۰	۸۴	۲۹	۱/۱۶۹	۲/۲۶
۴	تناسب رشته های آموزشی با نیازهای بازار کار	۱۰	۳۴	۱۰۸	۵۳	۲۵	۰/۹۳۷	۲/۲۱

نگرش جویندگان کار در ارتباط با عدم اشتغال آموزش دیدگان

با عنایت به اهداف و کارکردهای سازمان فنی و حرفه‌ای، ملاحظه می‌شود در پاره ای از موارد بسیاری از کار آموزان و مهارت آموختگان این مراکز قادر به جذب در بازار کار شده‌اند. زیرا آموزش دیدگان، فراگیری این دوره‌ها را مقدمه ای برای ورود به اشتغال می‌دانند. ولی علیرغم گذشت زمان ۱ تا ۳ سال از دوره کارآموزی هنوز شاغل نشده‌اند بر همین اساس پژوهشگران در پرسشنامه آموزش دیدگان جویای کار، تأثیر ۱۰ عامل را در عدم اشتغال آنان مطابق جدول ۲ مورد پرسش قرار داده‌اند.

ارزیابی گویه‌های مربوط به شاخص‌های تأثیرگذار بر عدم اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای در استان گلستان بر اساس میانگین حاصله نشان می‌دهد که شاخص نداشتن آشنا و رابطه با کارفرما (با میانگین ۲/۲۴ از ۴)، عدم تمایل و همکاری کارفرمایان در جذب آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای (با میانگین وزنی ۲/۱۹)، کوتاه بودن طول دوره آموزش فنی و حرفه‌ای (با میانگین وزنی ۲/۱۱)، و نبود یا کمبود زمینه‌های شغلی برای مهارت فرا گرفته در بازار کار به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در عدم اشتغال آموزش دیدگان (جویندگان کار) بوده است.

پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی نظرات جویندگان کار در خصوص میزان تأثیر عوامل مؤثر در عدم اشتغال آنان

ردیف	گویه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	انحراف معیار	میانگین وزنی از ۴
۱	پایین بودن سطح مهارت عملی دوره آموزش فنی و حرفه‌ای	۶۸	۱۳۱	۲۷۴	۵۲	۱۳	۰/۹۰۶	۱/۵۲
۲	بی ارتباط بودن دانش نظری ارائه شده در دوره آموزشی با نیاز بازار کار	۲۲/۱	۱۱۹	۱۵۸	۱۳۱	۱۱۷	۰/۸۵۶	۱/۶۳
۳	نبودن یا کمبود زمینه‌های شغلی برای رشته آموزشی فرا گرفته در بازار کار	۹/۷	۱۰۵	۱۶۰	۱۵۶	۶۵	۱/۱۵۶	۲/۰۴
۴	نداشتن آشنا و رابطه با کارفرما	۱۷/۱	۹۲	۱۴۵	۲۶	۱۷۱	۰/۹۵۶	۲/۲۴
۵	عدم تناسب و ارتباط رشته آموزشی با نیازهای بازار کار در شهرستان و استان	۱۴/۹	۱۷۱	۱۳۰	۱۱۸	۳۹	۱/۱۶۷	۱/۷۵
۶	نداشتن تجربه عملی کافی در طی دوران آموزشی	۱۹/۷	۱۰۶	۱۴۴	۱۸۳	۷۹	۱/۱۰۶	۱/۵۸
۷	تفاوت قائل شدن بین زن و مرد در بازار کار	۳۲	۱۷۲	۷۸	۹۱	۹۳	۱/۵۲۴	۱/۷۸
۸	عدم تناسب رشته تحصیلی قبلی با رشته‌ای که در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای گذرانیده‌اید	۲۴/۳	۱۳۱	۷۸	۱۱۸	۱۴۶	۱/۳۶۵	۱/۸۸
۹	عدم تمایل و همکاری کارفرمایان در جذب آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای	۹/۷	۵۲	۹۲	۱۷۰	۱۴۶	۱/۰۷۲	۲/۱۹
۱۰	کوتاه بودن طول دوره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	۱۰	۵۴	۵۳	۱۷۰	۲۶	۰/۹۹۸	۲/۱۱

آمار استنباطی

یکی از مهم‌ترین مراحل انجام پژوهش‌های پیمایشی که صحت نتایج بر آن مبتنی است بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری مناسب است در پژوهش‌های حاضر با توجه به ماهیت سؤالات برای سنجش رابطه بین متغیرها از ضرایب همبستگی به شرح ذیل استفاده شده است. در صورتی که دو متغیر با مقیاس اسمی مورد سنجش قرار گیرند می‌توان از ضریب همبستگی کرامر استفاده کرد بر اساس همین ادله، در پژوهش حاضر برای آن دسته از متغیرهایی که هر دو از مقیاس اسمی برخوردار بوده‌اند از ضریب همبستگی کرامر استفاده شد که نتایج پردازش اجرای آزمون در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول شماره ۳- نتایج پردازش اجرای ضریب همبستگی کرامر

متغیر ملاک		متغیرهای پیش بین		نوع مقیاس	ضریب همبستگی	مقدار (value)	سطح معنی دار (Approx.sig)	
شاغلین	جویندگان کار	شاغلین	جویندگان کار	اسمی	کرامر	شاغلین	جویندگان کار	شاغلین
اشتغال	تقاضا	اسمی	تناسب رشته و شغل	اسمی	کرامر	۰/۲۸۳	۰/۳۳۷	۰/۰۰
			نوع کار	اسمی	کرامر	۰/۴۴۷	۰/۲۵۶	۰/۰۰
			نام شهر	اسمی	کرامر	۰/۳۲۹	۰/۳۲۰	۰/۰۰
			محل اخذ مدرک	اسمی	کرامر	۰/۱۴۲	۰/۳۵۶	۰/۰۰
			جنس	اسمی	کرامر	۰/۴۱۵	۰/۲۵۳	۰/۰۰
			وضع تاهل	اسمی	کرامر	۰/۲۷۳	۰/۲۲۷	۰/۰۰
			رشته	اسمی	کرامر	۰/۲۱۷	۰/۴۹۷	۰/۰۲۴

خروجی نتایج اجرای ضریب همبستگی کرامر در سطح ۹۵ درصد بر اساس اطلاعات موجود در جدول ۳ بیانگر آن است که در بین متغیرهای پیش بین (تناسب رشته و شغل، مراکز رجوع کاریابی، نوع کار، نوع کار مورد تقاضا، نام شهر محل آزمون، محل اخذ مدرک، جنسیت، وضعیت تاهل، رشته آموزش فنی و حرفه‌ای) و متغیر ملاک (اشتغال به کار در پرسشنامه شاغلین آموزش دیده و تقاضای کار در پرسشنامه جویندگان کار آموزش دیده مراکز فنی و حرفه‌ای)، رابطه معنادار وجود دارد.

یکی از شاخص‌های ارزیابی همبستگی دو متغیر در سطح مقیاس اسمی و رتبه‌ای، ضریب توافق C است. نظریه اینکه در پژوهش حاضر، برخی از متغیرها از نوع مقیاس رتبه‌ای بوده و متغیر ملاک نیز از نوع مقیاس اسمی، به نتایج پردازش آماری این آزمون مطابق با داده‌های جدول ۴ می‌پردازیم.

جدول شماره ۴- نتایج پردازش اجرای ضریب همبستگی توافق C

متغیر ملاک		متغیرهای پیش بین		نوع مقیاس	ضریب همبستگی	مقدار (value)	سطح معنی دار (Approx.sig)	
شاغلین	جویندگان کار	شاغلین	جویندگان کار	اسمی	C	شاغلین	جویندگان کار	شاغلین
اشتغال	تقاضای کار	اسمی	تأثیر آموزش	رتبه ای	C	۰/۲۸۰	۰/۰۸۱	۰/۶۲۸
			آموزش حین	رتبه ای	C	۰/۰۱۹	-	۰/۷۷۴
			سطح تحصیلات	رتبه ای	C	۰/۰۸۸	-۰/۲۹۱	۰/۰۲۵

خروجی اجرای ضریب همبستگی توافق C در سطح ۹۵ درصد مطابق با داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که بین متغیر پیش‌بین تأثیر آموزش دیدگان شاغل معنادار معکوس وجود ندارد و بین متغیر آموزش حین کار شاغلین و تداوم اشتغال به کار آنان نیز رابطه معناداری وجود ندارد ولی بین سطح تحصیلات شاغلین و اشتغال به کار آنان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج داده‌های مربوط به نگرش جویندگان کار بیانگر آن است که بین متغیر تأثیر عوامل آموزشی و تقاضای آنان برای کار رابطه معنادار وجود دارد و بین متغیر سطح تحصیلات آنان و تقاضای کار رابطه معنادار معکوس مشاهده می‌شود.

برای سنجش همزمان متغیرهای مختلف بر روی اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای شاغل در استان گلستان تعداد ۱۳ متغیر که در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده بودند، وارد معامله رگرسیون با روش (استاندارد) شد با توجه به شاخص ضریب رگرسیون (R) و مربع آن (R^2) که به مقدار ۰/۸۲ حاصل شده (مطابق با داده‌های جدول ۵) چنین می‌توان پیش‌بینی کرد که ۸۲ درصد تغییرات متغیر ملاک (اشتغال) به طور همزمان تحت تأثیر ۱۳ متغیر درون معادله است.

جدول شماره ۵- وزن بتا و آزمون t متغیرهای درون معادله رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب غیر استاندارد	آماره t	سطح معناداری
	شیب خط b	خطای معیار شیب خط	شیب خط استاندارد Beta		
عرض از مبدا	۰/۱۹۶	۰/۲۷۲		۰/۷۲۷	۰/۴۷۰
دانش نظری ...	۰/۹۶۴	۰/۰۷۷	۱/۰۲۷	۱۲/۵۲۶	۰/۰۰۰
داشتن آشنا و رابطه با کارفرما	-۰/۳۳۰	۰/۰۴۴	-۰/۶۳۴	-۷/۵۴	۰/۰۰۰
درجه و میزان مهارت دوره	-۰/۶۸۸	۰/۰۵۱	-۱/۱۲۴	-۱۳/۵۵	۰/۰۰۰
تأثیر آموزش در میزان موفقیت در انجام کار	۰/۷۹۴	۰/۰۹۴	۰/۵۹۵	۸/۵۴۳	۰/۰۰۰
افزایش معلومات و مهارت از آموزش در حین کار	۱/۰۹۳	۰/۰۹۹	۱/۰۹۲	۱۰/۹۸	۰/۰۰۰
تأثیر آموزش حین کار در تداوم شغل	۱/۸۰۳	۰/۱۱۹	۳/۰۰۸	۱۵/۰۹	۰/۰۰۰
تأثیر آموزش بر عملکرد...	-۰/۸۳۶	۰/۰۶۹	-۱/۱۰۹	-۱۲/۰۸	۰/۰۰۰

داده‌های جدول ۵ ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای درون معادله رگرسیون را بر

اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری آزمون و مقدار استاندارد شده ضریب بتا از بین ۱۳ متغیر وارد شده در معادله، تنها ۷ متغیر رابطه معنی‌دار نشان داد. که با حذف سایر متغیرهایی که رابطه معنی‌داری بین روابط آن‌ها مشاهده نگردید. شرایط را برای تأثیرگذاری عوامل آموزشی بر اشتغال به کار آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان فراهم آوردیم، بر حسب اهمیت به واسطه معنادار بودن روابط و وزن بتا، به ترتیب بین متغیرهای آموزش حین کار در تداوم اشتغال، آموزش‌های حین کار در افزایش معلومات برای انجام امور شغلی، آموزش‌های نظری در اشتغال، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میزان موفقیت برای انجام امور شغلی رابطه معنی‌دار مستقیم و بین متغیرهای تأثیر درجه و میزان مهارت فرا گرفته در دوره‌ی آموزشی بر کارایی، تأثیر آموزش‌ها بر عملکرد شغلی در محیط کار و داشتن آشنا در کارایی رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد.

در یک جمع‌بندی کلی عطف به ماهیت نمونه (شاغلین) و اعمال متغیرها متناسب با اهداف در پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که ترتیب عوامل زیر بیشترین تأثیر را بر اشتغال به کار آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای دارد:

رتبه اول: تأثیر آموزش حین کار بر تداوم اشتغال

رتبه دوم: تأثیر درجه و میزان مهارت فرا گرفته در دوره آموزشی بر کارایی

رتبه سوم: تأثیر آموزش‌ها بر عملکرد شغلی در محیط کار

رتبه چهارم: آموزش‌های حین کار در افزایش معلومات برای انجام امور شغلی

رتبه پنجم: آموزش‌های نظری در اشتغال

رتبه ششم: داشتن آشنا در کارایی

رتبه هفتم: تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میزان موفقیت برای انجام امور شغلی

برای سنجش تأثیر همزمان متغیرهای مختلف بر عدم اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای (جویندگان کار) تعداد ۱۱ متغیر که در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده بودند، وارد معادله رگرسیون با روش (استاندارد) شد. با توجه به شاخص ضریب رگرسیون (R) و مربع آن (R²) که به مقدار ۰/۲۳ حاصل شده چنین می‌توان پیش‌بینی کرد که ۰/۲۳ درصد تغییرات متغیر ملاک (تقاضای کار) به طور همزمان تحت تأثیر ۱۱ متغیر درون معادله است.

جدول شماره ۶ - وزن بتا و آزمون t متغیرهای درون معادله رگرسیون

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب غیر استاندارد	آماره t	سطح معناداری
	شیب خط b	خطای معیار شیب خط	شیب خط استاندارد Beta		
ضریب ثابت	۰/۶۴۷	۰/۱۰۳		۱۶/۰۲۳	۰/۰۰۰
پایین بودن سطح مهارت عملی دوره	-۰/۱۶۳	۰/۰۴۱	-۰/۱۸۴	-۳/۹۷۳	۰/۰۰۰
بی ارتباط بودن دانش نظری ارائه شده	۰/۲۰۲	۰/۰۳۶	۰/۲۸۴	۵/۶۴۷	۰/۰۰۰
نبودن یا کمبود زمینه‌های شغلی	-۰/۲۸۳	۰/۰۳۳	-۰/۱۲۱	-۲/۴۹۴	۰/۰۱۳
نداشتن آشنا و رابطه با کارفرما	-۰/۲۹۰	۰/۰۲۷	۰/۱۶۱	۳/۳۴۱	۰/۰۰۱
نداشتن تجربه عملی کافی	-۰/۱۶۸	۰/۰۳۰	-۰/۲۳۲	-۵/۵۰۸	۰/۰۰۰
تبعیض جنسیتی در بازار کار	۰/۶۰۲	-۰/۰۲۰	-۰/۱۲۴	-۳/۴۵۰	۰/۰۰۱
عدم تناسب رشته تحصیلی با دوره آموزشی	۰/۱۰۹	۰/۰۲۵	۰/۱۸۶	۴/۳۰۹	۰/۰۰۰

داده‌های موجود در جدول ۶ ضرایب تأثیر هر یک از متغیرهای درون معادله رگرسیون را بر عدم اشتغال آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان نشان می‌دهد، با توجه به سطح معناداری آزمون و مقدار استاندارد شده ضریب بتا، چنانچه بخواهیم تأثیرگذاری عوامل را بر عدم اشتغال به کار آموزش دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان اولویت بندی نمائیم، می‌توان متغیرهای تأثیرگذار بر حسب اهمیت به واسطه معنادار بودن روابط و وزن بتا را به شرح زیر رتبه بندی کرد. بی‌ارتباط بودن دانش نظری ارائه شده در دوره آموزشی با نیاز بازار کار، نداشتن تجربه عملی کافی در طی دوران آموزشی، عدم تناسب رشته تحصیلی قبلی با رشته‌ای که در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای گذرانیده‌اید.

پایین بودن سطح مهارت عملی، نداشتن آشنا و رابطه با کارفرما، تبعیض جنسیتی در بازار کار، نبودن یا کمبود زمینه‌های شغلی رشته آموزشی فرا گرفته در بازار کار. در یک جمع بندی کلی عطف به ماهیت نمونه (جویندگان کار) و اعمال متغیرها بر اساس اهداف پژوهش حاضر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که به ترتیب عوامل زیر

بیشترین تأثیر را بر عدم اشتغال به کار آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای استان گلستان داشته است:

- رتبه اول: بی ارتباط بودن دانش نظری ارائه شده در دوره آموزشی با نیاز بازار کار،
- رتبه دوم: نداشتن تجربه عملی کافی در طی دوران آموزشی،
- رتبه سوم: عدم تناسب رشته تحصیلی قبلی با رشته آموزشی،
- رتبه چهارم: پایین بودن سطح مهارت عملی،
- رتبه پنجم: نداشتن آشنا و رابطه با کارفرما.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصله از پژوهش حاضر، پیشنهادات اجرایی ذیل ارائه می‌گردند:

- ✓ ضرورت هم اندیشی و تبادل نظر بیشتر بر مبنای رویکرد سیستمی با صنایع استان (بخش‌های خصوصی، تعاونی، دولتی)، مبنی بر جذب آموزش‌دیدگان بدون در نظر گرفتن سابقه‌آشنایی و رابطه با کارفرما و عدم تبعیض جنسیتی در جذب آموزش‌دیدگان به کار،
- ✓ تلاش برای تغییر ارزش‌های متأثر از نقش‌های انتسابی ورود به کار از طریق جایگزینی ارزش‌های مبتنی بر نقش‌های اکتسابی تا به تبع آن آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای در صورت یکسانی نقش، احساس بی‌عدالتی ننمایند. زیرا غلبه احساس و ذهنیت مبتنی بر جذب و اشتغال به کار متأثر از ارزش‌های خویشاوندگرایی و رابطه محوری ضمن تقویت نارضایتی آنان از وضع موجود، در درازمدت موجب انفعال و انزوا را در آنان به وجود خواهد آورد و جامعه از توان تخصصی و شایستگی آنان برای تحقق اهداف توسعه‌ای بی‌بهره می‌شود، که این امر در درازمدت تبعات منفی برای جامعه در بر خواهد داشت.
- ✓ با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل تأثیر گذار در عدم اشتغال به کار آموزش‌دیدگان جوینده کار منتج از اجرای آزمون رگرسیون چند متغیره، عدم تناسب رشته تحصیلی قبلی (آموزش‌های رسمی) با دوره آموزش فنی و حرفه‌ای (آموزش‌های غیر رسمی) بوده، پیشنهاد می‌شود تا اداره کل فنی و حرفه‌ای استان در هدایت متقاضیان فراگیری آموزش‌های مهارتی، پیشینه تحصیلی آنان را نیز در نظر گیرد و با بازنگری و اصلاح برنامه‌ها، حداقل برای آن دسته از متقاضیان آموزش فنی که رشته آموزش آن‌ها با زمینه تحصیلی شان مرتبط نیست، با افزایش طول دوره آموزشی به تقویت و توانمندی آنان بیفزایند. زیرا هماهنگی رشته و نوع آموزش

- در جذب آموزش‌دیدگان به کار مؤثر است،
- ✓ ضرورت راهنمایی و ارائه خدمات مشاوره‌ای شغلی به آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای برای ورود به بازار کار قبل از آموزش و پس از آموزش،
 - ✓ بازننگری و اصلاح مقررات پیچیده استفاده از تسهیلات اعتباری در بخش اشتغال،
 - ✓ ایجاد و گسترش آژانس‌های کاریابی در شهرستان‌ها،
 - ✓ ضرورت تعامل و ارتباط مستمر و تنگاتنگ مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان با مراکز خدماتی، صنعتی و کشاورزی به منظور آگاهی از نیازهای بازار کار در راستای هدایت و اثربخشی برنامه‌ها و فعالیت‌ها،
 - ✓ تشکیل بانک اطلاعاتی از نیازمندی‌های بخش صنایع و ویژگی‌ها دموگرافیک آموزش‌دیدگان به تفکیک شهرستان، جنسیت، نوع آموزش، سطح درجه مهارت، سال آموزش و آدرس محل سکونت،
 - ✓ توسعه بخش نرم افزاری در سطح استان به منظور آگاهی از آخرین وضعیت آموزش‌دیدگان، در همین راستا توصیه می‌شود اداره کل فنی و حرفه‌ای استان در تعاملی مستمر و نزدیک با صنایع بخش خصوصی و دولتی از میزان جذب آموزش‌دیدگان متناسب با ویژگی دموگرافیک شان آشنایی یابد،
 - ✓ برابری اهمیت و موقعیت اجتماعی آموزش عمومی (دانشگاهی) و آموزش فنی و حرفه‌ای در نظام آموزشی،
 - ✓ پیوند بین سیاست آموزش فنی و حرفه‌ای و سیاست اقتصادی،
 - ✓ تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای،
 - ✓ همراه شدن آموزش‌ها با ایجاد فرصت شغلی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی، س.، و امیری، ر. (۱۳۹۱). تأثیر مهارت آموزی عملی فارغ التحصیلان دانشگاهی بر احتمال اشتغال آنان، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهارت آموزی و اشتغال در ایران. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- امیری، م. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال آموزش دیدگان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و برآورد الگوی عوامل مؤثر بر آن در تهران. اداره کل فنی و حرفه‌ای شهر تهران.
- آغاز، م. ح. (۱۳۸۱). ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مرکزی در کارایی کارآموزان. اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مرکزی.
- جاویدنیا، ک.، و جاویدنیا، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای بر کار آفرینی و اشتغال مهارت‌آموختگان پسر مرکز آموزش فنی حرفه‌ای شهرستان گرمسار، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهارت‌آموزی و اشتغال در ایران، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- جمالی‌نسب بهروزی، م. (۱۳۹۱). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه کار آفرینی و مهارت‌های کسب و کار، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهارت‌آموزی و اشتغال در ایران، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- خالدی، م.، و قلی‌زاده، ح. (۱۳۹۱). برون‌سپاری آموزش‌های فنی حرفه‌ای و اثر بخشی آن بر اشتغال، خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهارت‌آموزی و اشتغال در ایران، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- صالحی، ا. (۱۳۸۲). اثر بخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کارایی کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران. اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مازندران.
- فرشاد، م. (۱۳۷۴). بررسی رابطه آموزش و پرورش‌های رسمی فنی و حرفه‌ای با اشتغال فارغ‌التحصیلان (در سال‌های ۶۷-۶۳).
- کهک، ف. (۱۳۷۷). بررسی میزان انطباق رشته‌های فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش با نیازمندی‌های استان سمنان و نیاز سنجی نیروی انسانی فنی و حرفه‌ای در استان تا هفت سال آینده. اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مازندران.
- مزروعی، ه. (۱۳۷۲). رابطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کشاورزی با اشتغال فارغ‌التحصیلان در سال‌های ۶۷-۶۳. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- Callos, F. (1994). Converging trends admits diversity in vocational reining systems international labor review.
- Booth, A., & Dennis, D. S. (1996). *Acquiring skills: Market failure, their symptoms and policy responses*. Cambridge university press.
- Ashton, D., & Green, F. (1996). *Education, training and global economy*. Cheltenham, Edward Elgar.